

نقش والدین در بازیهای کودکان

الف: نحوه نظارت بر بازیها

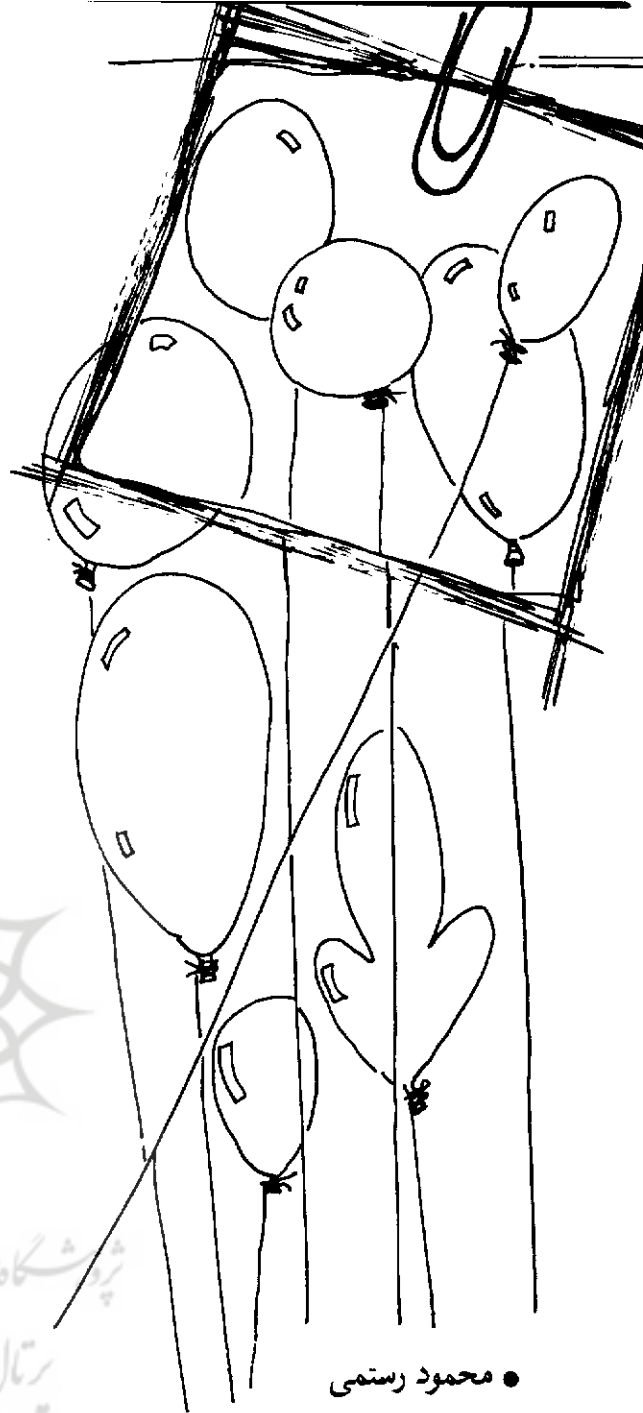
بعد از بی بردن به اهمیت و تأثیر بازی بر کودکان و اهدافی که در این بازیها نهفته است حال این مسئله را باید بررسی کرد که آیا باید کودکان را به حال خود رها ساخت تا به هر بازی که خود مایلند روی آورند یا اینکه باید در بازیهای آنان دخالت نمود؟ پیش از هر چیز این نکته را باید خاطر نشان ساخت که ایجاد مزاحمت در بازیهای کودکان فرق مهمی با نظارت و احیاناً جهت دادن به بازیهای آنان دارد.

کودکان بازی را به شدت دوست دارند بنابراین هیچگاه نباید مزاحم بچه ها شد زیرا تمام حواس آنها در آن لحظه منوجه بازی است و شاید او در آن لحظه حساسترین زمان بازی را طی می کند. این را بدانیم که احیاناً اگر بازی آنها برهم زده شود آثار نامطلوبی از لحاظ روحی عارض آنان خواهد گشت. این امر یعنی عدم مزاحمت بی موقع و نابجا به معنی رها سازی مطلق کودکان در جریان بازی نیست بلکه هدایت کردن بازی نیز توسط والدین و یا مربیان از اهمیت بسزائی برخوردار است و این امر تا حدودی مخصوصاً پس از آغاز بازی دشوار می باشد. تا زمانی که گفتگو درباره موضوع بازی جریان دارد و کودکان هنوز نقشها را آغاز نکرده اند مربی می تواند نظر مشورتی خود را بدهد به شرطی که در فکر بازی تغییری پیدا نشود.

به هر حال دخالت غیر محتاطانه مربی به هنگام اجرای نقش کودکان، ممکن است نقشی را که کودکان در خیال خود پرورانده است برهم زند. بنابراین هرگاه مربی با درک فکر و نقشه کودکان و خواسته های آنان بخواهد چیز جالبی به بازی اضافه کند و یا جهت تازه ای به آن بدهد باید خودش نیز در بازی نقشی به عهده گیرد و مثل یکی از بازیکنان پیشنهاد خود را برای همه مطرح سازد.^{۱۱}

واضح است که در این میان کار با کودکان جسور و خودخواه برای مربیان و والدین دشوار به نظر می رسد. گویا آنها به این دلیل که گردانندگان و خط دهندگان به بازیها هستند کمتر انعطاف پذیر می نمایند. و حتی دیگر بازیکنان با میل و رغبت از آنها حرف شنوی دارند. اگر چه باید هنر سازماندهی اینگونه بچه ها را قابل ستایش دانست ولی در عین حال باید تواضع و فروتنی و احترام به نظرات دیگران را در آنان پرورش داد.

البته در لحظاتی هم ممکن است با نزاع و کشمکش در بازی بچه ها روبرو شویم. در هر حال در اوقاتی از بازی، میان آنان نزاع و کشمکش رخ می دهد که حتی به قهر کردن آنها با یکدیگر کشیده می شود در اینجا نیز مربی باید دقت و هوشیاری از خود نشان دهد. اصولاً درگیری در بازی منحصر به گروه سنی خاصی از کودکان نیست و ممکن است در گروههای سنی متفاوت نوع درگیریها و سرانجام آنها با هم متفاوت باشد. کما اینکه کودکان پنج - شش ساله در بازیهای جمعی پخته ترند آنها می توانند فکرشان را برای دوستان خود توضیح دهند.



• محمود رستمی

بازی یک نیاز طبیعی برای کودکان و نوجوانان (۲)



با این وجود در یک گروه خوب و سازمان یافته نیز گاهی ضمن بازیها جمعی اختلاف بروز می کند. این اختلاف ممکن است بر سر موضوع بازی بر سر تقسیم نقشها، بر سر دست بردن در موضوع بازی و افزودن نقشهائی جدید به آن و... بروز کند بدیهی است که رهبری دقیق و هوشیارانه مربی به حل و فصل سریع چنین اختلافاتی کمک می کند.^{۱۲}

بنابراین در می بایم که به هنگام تشکیل بازی مسائل دشواری در مقابل والدین و مربیان قرار می گیرد. از جمله اینکه هر کدام از کودکان خواستار اجرای نقش مهمتر بازی هستند و مسلم است که نمی توانند نقش اصلی را در بازی به عهده گیرند در اینجا است که با ظرافت خاصی باید از بروز اختلافات جلوگیری شود و در ضمن همه کودکان را بتحوی در جریان بازی فعال نمود.

در انتهای این بحث ذکر این نکته ضروری است که اگرچه رهبری و هدایت بازی کودکان و نظارت بر آنان امر مهمی است اما اغلب اوقات پدران و مادرانی هستند که در رهبری بازیها رفتار نادرستی دارند. این امر به سه صورت پیش می آید.

— بعضی از پدران و مادران فکری می کنند که فرزندشان می داند کدام بازی بهتر است و علاقه ای به بازی آنها ندارند و به عبارتی آنها را برای بازی به حال خود رها کرده اند.

— عده ای دیگر از والدین توجه زیاد و بیش از حدی به بازیهای کودکان نموده و همیشه در بازیهای بچه ها دخالت می کنند و طرز بازی را به آنها نشان می دهند و حتی در این راه به افراط نیز کشیده می شوند.

— دسته سوم از والدین خیال می کنند که تعداد اسباب بازی از همه چیز مهمتر است.^{۱۳}

واضح و روشن است که هیچکدام از این سه روش مطلوب نیست زیرا در صورت رهاسازی کودکان برای بازی، آنها با شوق و رغبتی که دارند تمام اوقات خود را صرف بازی خواهند نمود و حیثاً نزاع و درگیری و انحراف از معیارهای تربیتی در بازیهای آنان رخ خواهد داد. نیز اگر توجه زیادی به بازیهای آنان صورت پذیرد خیلی زود به این فکر عادت می کنند که تنها بزرگترها می توانند همه چیز را خوب انجام دهند. در چنین کودکانی عدم اعتماد نسبت به نیروی خود و ترس از ناکامی رشد می یابد.

در باره دسته سوم از والدین که همه چیز را در اسباب بازیها

خلاصه می کنند باید گفت که فرزندانشان در بهترین شرایط به صورت جمع کنندگان اسباب بازی در می آیند و بدون ذوق و شوق بازی خواهند کرد. ضمناً هر روز چیز تازه ای خواهند خواست و خواستار اسباب بازی جدیدتری می شوند.

ب — نقش والدین در بازیها

پیش از آغاز بازی والدین باید مقدمات شروع یک بازی جهت دار و لذت بخش را برای کودک فراهم نمایند. در این باب باید مواردی مانند آماده سازی محیط بازی، پیشگیری از خطرات احتمالی در جریان بازی و مهمتر از همه در نظر داشتن اصول سازماندهی و مرتب شدن نتایجی تربیتی در بازی را مد نظر قرار دهند.

در این حال یا خود والدین به عنوان یک همبازی محسوب می شوند یا اینکه دورا دور و بدور از تحمیل، بازی بچه ها را زیر نظر خواهند داشت.

اگر مربی یا یکی از والدین بخواهد در بازی شرکت نماید عملی سودمند است زیرا می توانند فعالیتهای کودک را بهتر جهت دهند. پرخاشگری و ستیزه جوئی های او را بهتر تعدیل کنند و با اینکه با جهت دادن فعالیتهای طفل می توانند زمینه های انحرافی را در کودک به هنگام بازی اصلاح نموده و کج رویهای او را از میان بردارند.^{۱۱}

باید دانست که والدین به هر میزانی که مسلط باشند و خود را همسطح کودکان نمایند باز هم توانائی این را نخواهند داشت که به عنوان یک گروه همسال و همبازی برای کودک قرار گیرند زیرا مسائلی از قبیل قیافه، میزان سن و... یک فرد بزرگسال برای کودک جالب نیست و او را افتخار نمی کند. علاوه بر این روشن است که در صورت باز داشتن کودک از مواجه شدن با گروه همسالان و بازی با آنها نتایج زبانباری را عاید کودک خواهد نمود.

مطلب اساسی دیگری که والدین باید در نظر داشته باشند این

✱ والدین باید در نظر داشته باشند که کودک آنها به چه بازی‌هایی علاقه‌مند است و اینکه از بازی چه تلقی‌ای دارد. وجه رفتارهایی بیشتر او را نشاط می‌آورد. مسلم است با این شناخت و آگاهی علاوه بر شوق و رغبت کودک نتایج مهمتری از بازی حاصل می‌گردد.

است که مراقب باشند بازی به یگانه مشغله فکری کودک بدل نگردد و او را از هدفهای اجتماعی جدا نسازد و نیز سعی شود در جریان بازی عادت‌های مفید جسمی و روحی در کودک ایجاد گردد.^{۱۵}

والدین باید در نظر داشته باشند که کودک آنها به چه بازی‌هایی علاقه‌مند است و اینکه از بازی چه تلقی‌ای دارد. وجه رفتارهایی بیشتر او را نشاط می‌آورد. مسلم است با این شناخت و آگاهی علاوه بر شوق و رغبت کودک نتایج مهمتری از بازی حاصل می‌گردد.

همچنین ضمن نظارت بر بازیهای کودکان بنحوی که اشاره گردید باید سعی شود که آنها در هنگام بازی زیاد با ناکامی روبرو نشوند بلکه در مواقعی نیز طعم موفقیت را بچشند. از دیگر وظایف والدین و مربیان کودکان به هنگام بازی می‌توان به این مطلب اشاره کرد که در انتخاب همبازی کودک را مدد فکری دهند و در انتخاب آنها بطور غیرمستقیم دخالت نمایند و در عین حال برای شناخت دوستان کودک و برای تعدیل و نیز کنترل رفتار ضروری است که گاهی دوستان فرزند خود را به خانه دعوت نموده با آنها تماس بگیرند این کار گرچه وقت‌گیر و از جهتی دشوار است ولی آثار آن بیش از این اتلاف وقت است.^{۱۶}

در این قسمت به اهم وظایف والدین و دیگر کسانی که بنحوی در ارتباط با بازیهای کودکان قرار می‌گیرند بصورتی مختصر اشاره می‌گردد.

– نظارت بر بازیهای کودکان برای هدایت و جهت دادن و جلوگیری از کجرویها امری ضروری است.

– نباید به هنگام شروع بازی با مداخله بیجا و یا قطع بازی، اسباب ناراحتی بچه‌ها را فراهم آورد.

– در مواقعی که کاربچه‌ها در بازی به نزاع و کشمکش می‌انجامد، دخالتی هوشیارانه و دقیق بگونه‌ای که نظم بازی برهم نخورد ضروریست.

– بازی در گروه همسالان برای کودک از اهمیت شایانی برخوردار است.

– والدین و مربیان باید محیطی آسوده و بدون خطر را برای بازی کودکان آماده نمایند.

– روحیه کودکان خود را شناخته و زمینه را برای اجرای بازیهای مورد علاقه‌شان فراهم سازند.

– از اختصاص یافتن تمام وقت کودک به بازی کردن جلوگیری

✱ کودک هر رفتاری در بازی دارد وقتی بزرگ می‌شود از بسیاری جهات در آینده همان رفتار را خواهد داشت.

شده ولی مانع از بازی کردن آنها در اوقاتی معین نگردند.

– کودکان را به گروههای فعال و غیرفعال تقسیم نموده بلکه زمینه را برای فعال شدن کلیه بازیکنان فراهم آورند.

– در انتخاب بازیچه برای کودک با توجه به جنسیت و سن آنها دقت شود و نیز طبقه صحیح استفاده و نگهداری از آنها را بیان نمایند.

– محیط بازی را بگونه‌ای انتخاب کنند که دورادور بتوانند مراقب کودکان باشند.

انتخاب اسباب بازیها با توجه به کاربرد آنها الف – توجه به تفاوت‌های سنی کودکان

میزان علاقه و توجه کودکان به بازیهای مختلف یکسان نیست و طبیعی می‌نماید که با بالا رفتن سن فعالیت‌های ادراکی از نظر کمی و کیفی تحول می‌یابند.

مثلاً کودکان ۵ – ۶ ساله به مرجعها و جهت‌ها (مختصات ادراکی) توجهی ندارند اما کودکان ۹ – ۱۰ ساله آنها را در نظر می‌گیرند شکلها را بهتر و آسانی کرده و قدرت پیش‌بینی می‌یابند.^{۱۷} با توجه به تفاوت‌های سنی کودکان و گرایش آنها با بازیهای مختلف باید دانست که بازیها دارای مراحل رشد هستند و از چند مرحله رشد می‌گذرند که هر مرحله مستلزم روش خاصی برای رهبری است.

– مرحله اول زمان بازی در اتاق، زمان اسباب‌بازی است. این مرحله از سن پنج – شش سالگی کم‌کم وارد مرحله دوم می‌شود. در این

سن روح تجاوزگری کودک بسیار چشمگیر است اوبه مفهومی (مالک) است.

— مرحله دوم تا سنین یازده دوازده سالگی ادامه می یابد و بخشی از اوقات مدرسه را دربر می گیرد. رهبری مرحله دوم بازی کودکان دشوارتر است زیرا در این مرحله کودکان دیگر در جلو چشم پدر و مادر بازی نمی کنند بلکه وارد صحنه وسیعتر اجتماعی می شوند.

در این مرحله کودک به عضویت اجتماع درمی آید. اما اجتماع هنوز کودکانه است نه انضباط دارد و نه کنترل اجتماعی.

— در مرحله سوم کودک به عضویت جمع درمی آید ضمناً این جمع نه تنها جمع بازی است بلکه جمع کار و تحصیل هم هست. از این رو در تمام این سه مرحله تکامل بازی، نفوذ پدر و مادر اهمیت شایانی دارد.^{۱۸}

لازم به توضیح است که در تقسیم بندی بازیها، صاحب نظرانی چون (پرزی Perzly) بازیها را به سه گروه بازیهای منظم — بازیهای نامنظم و بازیهای مهارتی (استرن Stern) بازیها را به دو گروه فردی و اجتماعی یا گروهی تقسیم کرده اند.^{۱۹}

همچنین در یک تقسیم بندی دیگر بازیها را به سه گروه اصلی — بازیهای تمرینی — بازیهای با قاعده (مانند تیله بازی و...) تقسیم نموده اند و گفته شده که بازی تمرینی شکل ابتدائی بازی است و بازیهای نمادی نقطه اوج بازیهای کودکان است و از ۲ — ۳ سالگی آغاز می شود و در ۵ — ۶ سالگی به اوج خود می رسد. البته شکل چهارمی نیز از بازیها را نام برده اند و آن بازی سازنده است که بر پایه بازیهای نمادی بنا می شود.^{۲۰}

نهایتاً باید دانست که توجه به سن و روحیه کودکان و فعالیتهای ادراکی آنان در انتخاب بازیچه اهمیت بسیار دارد. به عنوان مثال برای کودکانی که زود رنج هستند و در جمع، احساس ناراحتی می کنند بازیهای انفرادی سودمند می باشند. و روشن است که بازیهای انفرادی، مربی را در شناختن خصوصیات کودک یاری می دهد. گرچه باید زمینه را بگونه ای فراهم نمود که کودکان را به بازیهای جمعی جلب کرد چون اعتقاد بر این است که پیشرفتهای اجتماعی و آشنائی با مقررات جوامع و گروهها در سایه تماسهای با جمع و گروه همسالان حاصل خواهد شد.

اما هرگز نباید اصرار کرد که روح شاد یک بازی انفرادی را به یک بازی بی روح اجتماعی مبدل ساخت چون برای کودکان در آینده فرصتهای زیادی پیش خواهد آمد تا در اجتماع و گروه همسالان خود شرکت نمایند.

بنابراین والدین و مربیان کودکان لازم است با خصوصیات روحی و سنی و میزان علاقه آنها به بازیهای مختلف آشنا باشند و آنگاه با یک بینش مطلوب، زمینه گرایش کودکان خود را به بازی و اسباب بازی مورد نظر فراهم آورند.

ب — کاربرد اسباب بازیها

همانگونه که در قبل نیز اشاره شد بازی یکی از بهترین راههای آموزش است. بنابراین برای رسیدن به این مهم باید اسباب بازی را

متناسب با سن رشد، رغبت و جنس کودک انتخاب کرد. این وسایل باید شامل اشیائی باشد که کودک را در آموختن هماهنگی چشم و دست، تناسب اشکال و رنگها جور کردن اشکال و قالبها بافت و وزن و دستکاری کردن و در جستجوی جزئیات برآمدن (برای مثال در بازیهای تصویری) یاری رساند^{۲۱} به عنوان مثال اسباب بازیهای برای کنترل و تقویت عضلات وجود دارد. مانند (سه چرخه — واگن — عروسکهای بزرگ و...)

اسباب بازیهای برای تقویت فکر و همکاری هستند مانند (مکعبها — توپ در اندازه های مختلف و نیز وسایلی باعث تقویت روحیه و قدرت تصور کودک می گردند مانند (کتابهای عکسدار — تلفن — لوازم خانه — دیگ — قابلمه — مدل های نقاشی — و کتاب داستانهای مصور و...)^{۲۲} در این زمینه می توان به اسباب بازیهای آماده — مکانیکی یا ساده مانند عروسکها، اتومبیلها و... نیز اشاره کرد. و گروه دیگر اسباب بازیهای نیمه آماده که کودک باید بعضی دستکاریهای تکمیلی در آن بعمل آورد. مانند تصاویر گوناگون همراه با سؤالات و کنار هم گذاشتن تصاویر بریده و مکعبها و...

دسته دیگر از اسباب بازیها (اسباب بازی — مصالح) می باشند مانند گل، شن، قطعات مقوا، تلق چوب و کاغذ و...

هر کدام از سه دسته اسباب بازی فوق محاسنی دارند از جمله اینکه اسباب بازی آماده کودک را با ایده ها و اشیاء غامض آشنا می سازد. مثلاً لوکوموتیو در دست کودک، تصورش را در مسیر حمل و نقل تحریک می کند و قوه تخیل او را به فعالیت وسیعتری وا می دارد.

اسباب بازیهای نیمه آماده نیز حسشان در این است که مسئله ای را در مقابل کودک مطرح می کنند که باید برای حل آن تلاش معینی را بخرج دهد و یک نوع انضباط فکری را برای کودک به دنبال دارد. البته عیبشان در یکنواختی و تکرار است که برای کودک ممکن است کسالت آور باشد.

نوع سوم از اسباب بازیها که از مواد گوناگونند ارزانترین و مناسبترین عناصر بازی هستند در اسباب بازی مصالح، فضای مناسبی برای تخیل کودک بوجود می آید آنهم نه تخیلی ساده بلکه تخیلی بزرگ و خلاق.

حال ممکن است این سؤال پیش آید که کدام نوع اسباب بازی از همه بهتر است.

در این مورد عنوان شده که بهترین راه ترکیب این سه نوع اسباب بازی است. و البته تعدادش نباید بیشتر از اندازه باشد.^{۲۳}

به هر حال اسباب بازی هر چه که باشد عوامل مختلفی مانند هدایت کودک و داشتن محتوی جالب را باید در نظر گرفت. به عنوان مثال بعضی از اسباب بازیها ممکن است ببرد کودک نخورد و فقط یک نوع تلف کردن باشد مانند اینکه شما یک موش کوکی برای کودک بخرید تمام روز آنرا کوک کنید و رها سازید و کودک در تمام روز به این موش نگاه کند و خوشحال شود. مسلم است این بازی هیچ محتوی جالبی ندارد. در این بازی کودک

✱ برای تعدیل و نیز کنترل رفتار، ضروری است که گاهی دوستان فرزند خود را به خانه دعوت نموده با آنها تماس بگیرند این کار گرچه وقت گیر و از جهتی دشوار است ولی آثار آن بیش از این اتلاف وقت است.

فعالیتی نداشته و حرکتش در این است که به این صحنه ها هاج و واج نگاه کند.

بنابراین کودک با این قبیل بازیها فرد غیر فعالی خواهد شد چون فاقد ابتکار است و عادت ندارد که در کار چیز تازه ای خلق کند و بر مشکلات فائق آید.^{۲۴}

برعکس اینگونه بازیهای بی روح، بازیهای جالبتری برای کودکان وجود دارد مانند اسباب بازیهایی که قطعات آن از هم جدا می شوند. در اینگونه بازیها، لذت جدا کردن از لذت کنار هم گذاشتن آنها بیشتر است.

کودک باید سازندگی را در بازی یاد بگیرد و چه بهتر است اسباب بازی داشته باشد که بتواند آنها را کنار هم بگذارد و در سازندگی حتی از دیگران نیز کمک بگیرد و خود چیزهایی کشف نماید.

در بررسی بازیهای ابتکاری بیش از همه آدمکها، شکلهای حیوانات، بازیچه های ماشینی و اسباب خانه بکار می آیند.

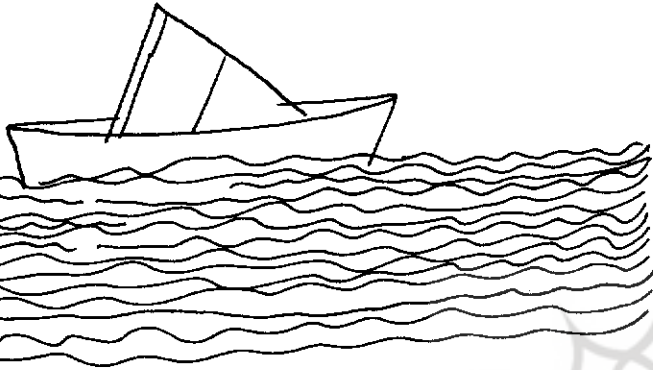
به اعتقاد صاحب نظران در این زمینه بازیچه های ساخت خود کودکان برای پیاده کردن ایده هایشان بهترین بازیچه هاست.

به همین جهت است که در کودکان، مصالح ساختمانی مورد علاقه گروه کودکان بزرگتر است آنها از این مصالح خانه، کشتی، هواپیما و ماشینهای گوناگون می سازند.^{۲۵}

نهایتاً آنچه در این نوشتار به صورتی مختصر اشاره گردید باید توجه ما را به این مسئله معطوف دارد که:

کودک هر رفتاری در بازی دارد وقتی بزرگ می شود از بسیاری جهات در آینده همان رفتار را خواهد داشت.

بنابراین تربیت فرد آینده قبل از هر چیز در بازی شکل می گیرد.



- ۱۰ - گروهی از پزشکان، مادر نمونه پرورش کودک، ترجمه کمپانی، چاپ شفق، ۱۳۴۸، ص ۲۲۹
- ۱۱ - محله بیوند، شماره ۱۲۸، مقاله نقش بازی در تعلیم و تربیت، ترجمه مهری نایاجان سال ۱۳۶۹، ص ۴۵
- ۱۲ - همان منبع، ص ۴۷
- ۱۳ - ماکارنکو، آ. س. گفتارهای درباره تربیت فرزندان، ترجمه بافرزاده، انتشارات جابخش، چاپ سوم، ص ۷۷
- ۱۴ - فائسی، علی، نقش مادر در تربیت، انتشارات امیری، ۱۳۶۸، ص ۱۹۴
- ۱۵ - ماکارنکو، آ. س. انسان مریب و نویسنده، ترجمه کیوان، انتشارات شاهنگ، ۱۳۶۱، ص ۹۵
- ۱۶ - فائسی، علی، نقش مادر در تربیت، انتشارات امیری، ۱۳۶۸، ص ۱۹۳
- ۱۷ - بیازه، زان اینهلدر، باربل، روانشناسی کودک، ترجمه زینت توفیق، نشرنی، چاپ دوم سال ۱۳۶۸، صص ۸۴ - ۸۶
- ۱۸ - ماکارنکو، آ. س. گفتارهای درباره تربیت فرزندان، ترجمه بافرزاده، انتشارات جابخش، چاپ سوم، ص ۷۷
- ۱۹ - منصور، محمود، روانشناسی ژنتیک، ... نشر قرمه، چاپ پنجم، ص ۱۷۶
- ۲۰ - بیازه، زان اینهلدر، باربل، روانشناسی کودک، ترجمه زینت توفیق، نشرنی، چاپ دوم سال ۱۳۶۸، ص ۶۱
- ۲۱ - ابلنسیگورت، رونالدس، کودک و مدرسه، ترجمه نوایی نژاد، انتشارات رشد، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۲۸
- ۲۲ - گروهی از پزشکان، مادر نمونه پرورش کودک، ترجمه کمپانی - چاپ شفق، ۱۳۴۸، ص ۲۳۰
- ۲۳ - ماکارنکو، آ. س. گفتارهای درباره تربیت فرزندان، ترجمه بافرزاده، انتشارات جابخش، چاپ سوم، صص ۸۷ - ۸۹
- ۲۴ - همان منبع، ص ۸۰
- ۲۵ - محله بیوند، شماره ۱۲۸، مقاله نقش بازی در تعلیم و تربیت، ترجمه مهری نایاجان سال ۱۳۶۹، صص ۴۸ - ۴۹

✱ هرگز نباید اصرار کرد که روح شاد یک بازی انفرادی را به یک بازی بی روح اجتماعی مبدل ساخت چون برای کودکان در آینده فرصتهای زیادی پیش خواهد آمد تا در اجتماع و گروه همسالان خود شرکت نمایند.

